



<http://www.arianafghanistan.com>



۲۰۱۷/۰۳/۳۰

م. نسیم اسیر
ملک اشعراى افغان ها در هجرت

سارقان حرفوی! طنز



جناب آقای «بصیر صباح» قسمت هفتم مضمون، خطاب به «اشرف غنی»، انتشار یافته سوم مارچ خود را با سروده ای به قافیه و ردیف جالب شروع کرده اند که انگیزه سرودن این منظومه طنز گونه، با همان قافیه و ردیف گردید، ازین که شاید بعضی مطالب با سروده آقای «صبح» متوارد قرار گرفته باشد، معذرت می خواهم:

بسکه در این خطه مشهور، سرقت می کنند
پیر و برنا بر حساب چور، سرقت می کنند
بر سر نعل وطن، یک عده چون مور و ملخ
لقمه ها را از دهان مور سرقت می کنند
راست می ناید به فکر کس که در این غمکده
جور اگر هستند، یا ناجور، سرقت می کنند
دزدی بادر و مزدور از حساب آمد برون
هر دو، هم بادر و هم مزدور سرقت می کنند
قصه عام «کفن کش» باز گردیده رواج
چون کفن را عده یی از گور سرقت می کنند
چند تنظیم خرافاتی وطن را زد به هم
پیروان شان به صد دستور سرقت می کنند
از غرور جنگسالاران ز من چیزی میسر
زانکه از خود راضی و مغرور سرقت می کنند

زیردستان تا ببینند، چور بالا دست را
آستین ها بر زده، مجبور سرقت می کنند
مدعا دزدیست، جمعی با کلاشینکوف و بمب
عده یی با کارد و با ساطور سرقت می کنند
بی حساب افتاده «خس دزدان»، ولی جمع دگر
گر بود الماس کوه نور سرقت می کنند
سرقه و دزدی ز بس شد عام، در بین عوام
کاه و جو را بر سر آخور سرقت می کنند
حرف «نصف لی و نصف لک» به کار افتاده است
هرکه را بینی باین منظور سرقت می کنند
طالبان که انتحاری را به راه انداختند
گر نشینند در کنار حور، سرقت می کنند
ساز هستی بیسر افتاده، چو ملایان «اسیر»
نغمه را از طبله و تنبور سرقت می کنند

** **

** **

**

*